

پیرمرد و خارکش

بررسی عناصر داستان

حشمت‌اله مهرابی - فاطمه دیناروند
دبیران ادبیات مدارس شهرستان پلدختر

چکیده

بهبتر از رقیبانش بیان نموده است. در این داستان، پیرمردی خارکش در حالی که پشت‌های خار بر پشت دارد، در حال شکرگزاری خداوند است و می‌گوید خود را از شکرگزاری عاجز می‌بیند. نوجوانی که به جوانی خود مغرور بوده است، به پیر خارکش نزدیک می‌شود و شکرگزاری او را به سخره می‌گیرد. پیرمرد در جواب آن جوان گستاخ و مغرور، زحمت‌کش بودن و شکرگزاری خود را نشانه عزت و آزادگی می‌داند و با بیان محکم خود، جواب دندان‌شکنی به او می‌دهد. عناصر موجود در داستان عبارت‌اند از:

۱. طرح یا پیرنگ

در داستان بین کل اجزا و اعمال آن‌ها رابطه خاصی وجود دارد که هسته آن، تمسخر جوان به شکرگزاری پیرمرد و عکس‌العمل پیر نسبت به این حرکت گستاخانه جوان است. ابتدا داستان مسیر طبیعی خود را دارد و با وصف راز و نیاز پیری با خدای خود شروع می‌شود تا اینکه با پیدا شدن جوان مغرور و گستاخ، داستان به سمت یک چالش و خلق حادثه می‌رود. اینجاست که خواننده تشویق می‌شود که به ادامه داستان رغبت نشان دهد. جوان پس از مواجه شدن با پیرمرد، گفت‌وگو را آغاز می‌کند و از سر غرور به ملامت او می‌پردازد. سپس پیر با سخنانی رسا و قاطع بر جوان غالب می‌شود. گرچه جوان آغازگر مناظره بوده اما چون سخن پیر در پایان آمده است، بیشتر در ذهن شنونده می‌ماند؛ به‌ویژه چون حرف‌های پیر، پخته و خیرخواهانه است. بنابراین، داستان از طرح و پیرنگ مناسب و محکمی برخوردار است.

داستان کوتاه و منظوم «خارکش پیر» سروده جامی که در کتاب ادبیات متوسطه اول گنجانده شده، دارای تمام عناصر و ویژگی‌های یک داستان است. نگارنده در این مقاله کوشیده است عناصری نظیر طرح، شخصیت، لحن، زاویه دید و فضا سازی را در آن داستان بررسی کند. هدف، تبیین و معرفی عناصر این داستان جهت آگاهی بیشتر و افزایش اطلاعات همکاران است.

کلیدواژه‌ها: داستان، عناصر داستان، پیر، جوان، لحن، شخصیت.

جامی از جمله ادیبان و شاعران مشهوری است که داستان‌هایی را به رشته نظم کشیده است. او را که شاعر، نویسنده و عارف مشهور قرن نهم است، «خاتم الشعراء» بزرگ شعر پارسی می‌دانند (صفا، ۱۳۷۱: ۳۴۷).

جامی در مثنوی‌های خود تابع روش نظامی بوده است. سبحة‌الابرار، اورنگ چهارم از هفت اورنگ اوست که بر وزن فاعلاتن فعلاتن فعلن در ذکر مقامات سلوک و تربیت و تهذیب همراه با حکایات و تمثیلات سروده شده است. داستان خارکش پیر از همین مثنوی گرفته شده است. این داستان پانزده بیتی کوتاه، با دارا بودن تمام عناصر داستانی و به خاطر زبان ساده و شیوا و شیوه بیان و انتخاب واژگان مناسب جذابیت و گیرایی خاصی دارد. داستان به روش مناظره و گفت‌وگوی بین پیر و جوان بیان شده است. هر چند چنین مناظره‌ای در ادبیات رسم تازه‌ای نیست و از زمان عطار تا پروین اعتصامی سابقه داشته، اما جامی این مناظره را

در داستان
بین کل اجزا
و اعمال آن‌ها
رابطه خاصی
وجود دارد
که هسته آن،
تمسخر جوان
به شکرگزاری
پیرمرد و
عکس‌العمل پیر
نسبت به این
حرکت گستاخانه
جوان است



مولوی در مثنوی معنوی است و لحن هر شخص با شخصیت او تناسب دارد.

۲. شخصیت

در داستان، دو شخصیت بیشتر وجود ندارد: یکی پیرمرد خارکش و دیگری پسر جوان مغرور. روحیات و افکار این دو متفاوت است؛ پیر شخصیتی صبور، زحمت‌کش، فقیر، متواضع و شاکر دارد و در مقابل جوان فردی کم‌حوصله، رفاه‌طلب، ثروتمند، مغرور و ناسپاس است. جامی این‌ها را در مقابل هم قرار می‌دهد. به این تربیت، جدالی همیشگی را که بین نسل نو و نسل کهنه از لحاظ فکری و روحی وجود داشته است و امروزه هم وجود دارد، می‌توان دید. سرانجام پیر با حرف‌هایی اندرزگونه و پخته و سنجیده به او می‌فهماند که خوشبختی و عزت و سربلندی در داشتن مال و ثروت نیست. شخصیت‌ها به‌جا و درست انتخاب شده‌اند.

۳. لحن

داستان لحن روایی یا روایت‌گری دارد. بیت اول خود نشان‌دهنده وجود حکایت است. آهنگ ملایم آن نیز به خواننده کمک می‌کند که بداند لحن شعر حماسی نیست، غنایی هم نیست؛ زیرا معمولاً در شعر غنایی داستان بیان نمی‌شود، پس باید تعلیمی باشد. (اکبری و دیگران، ۱۳۹۱: ۶۴). در حقیقت، لحن این داستان ساده و روان و دقیقاً متناسب با نوع شخصیت‌هاست؛ سخنان پیر طولانی و منطقی و سخنان جوان کوتاه و دل‌آزار. پیر، مردی روستایی و فقیر است و لحن او هم ساده و عادی و صمیمی آرام. در مقابل، حرف‌های جوان جدی و تحقیرآمیز و طنزگونه‌اند. شخصیت‌پردازی جامی در این قصه، شبیه به شخصیت‌پردازی

۴. زوایه دید

داستان را سوم شخص یا دانای کل روایت می‌کند. البته سراینده هر گاه مناظره بین هر دو شخصیت را بیان می‌کند و از زبان هر یک حرف می‌زند، گاهی از اول شخص استفاده می‌کند؛ یعنی داستان هم لحن منادایی دارد و هم لحن مناجاتی به خود می‌گیرد.

۵. فضا سازی

جامی با بیان اوصاف پیرمرد و ذکر خصوصاتی از قبیل سن، نوع لباس، شغل و حرکت و اعمال وی فضا سازی خوبی ایجاد می‌کند. با خلق این صحنه، جذابیت و گیرایی داستان زیاد می‌شود و خواننده بیشتر با قصه همراه می‌گردد.

۶ و ۷. موضوع و درون‌مایه

موضوع داستان، آزادگی و عزت و داشتن منش آزادگان است. اما محتوای آن که برخی از آداب و اخلاق زندگی فردی و اجتماعی را بیان می‌کند، شامل موارد زیر است:

۱. انسان باید از نعمت‌هایی که خداوند مهربان در اختیار او قرار داده است، به خوبی استفاده کند.
۲. نسبت به بزرگ‌ترها ادای احترام کند و برای آن‌ها ارزش و اعتبار قائل شود.
۳. در صورت توانایی جسمی و مالی مغرور نباشد و بداند که خوشبختی در داشتن مال و ثروت نیست.
۴. در همه حال شکرگزار خدا باشد.

منابع

۱. اکبری شلدره، فریدون و دیگران؛ **فارسی پایه هشتم**؛ نشر کتب درسی، تهران، ۱۳۹۳.
۲. _____؛ **کتاب معلم فارسی هشتم**؛ نشر کتب درسی، تهران، ۱۳۹۳.
۳. _____؛

مبانی خواندن در زبان فارسی؛ لوح زرین، تهران، ۱۳۹۱.

۴. پورجوادی، نصرالله؛ **زبان حال در عرفان و ادبیات فارسی**؛ هرمس، تهران، ۱۳۸۵.

۵. صفا، ذبیح‌الله؛ **تاریخ ادبیات در ایران**؛ جلد چهارم، فردوس، چاپ یازدهم، تهران، ۱۳۷۱.

۶. فیروزنیا، علی‌اصغر؛ «مناظره در ادب فارسی»، **مجله حافظ**، شماره ۷۸، بهمن ۱۳۸۹.

۷. میرصادقی، جمال؛ **عناصر داستان**؛ انتشارات شفا، تهران، ۱۳۶۴.